

دریچه ۱

آیا با وضع قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴، قانون دفاتر مصوب

۱۳۱۶ به قوت خود باقی است؟

ایرج نجفی^۱

قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۶ که جزو اولین قوانین ثبتي کشور محسوب می‌شود، در ۶۵ ماده تنظیم شده است. موضوع تشکیلات دفاتر اسناد رسمی، رتبه‌بندی و تعیین درجات برای دفاتر از لحاظ نوع تنظیم و ثبت اسناد مربوط به معاملات، جرایم و تخلفات در امر تنظیم و ثبت اسناد رسمی و نظارت بر کار دفاتر از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث قانون مذکور می‌باشد. هرچند اجرای قانون مذکور موکول به تهیه آیین‌نامه نشده و صرفاً در برخی از مواد قانون که اجرای آن‌ها مستلزم آیین‌نامه بوده، به تهیه آن‌ها تأکید شده است اما در ماده ۴۷ قانون یاد شده به صورت کلی آمده است؛ «سردفتران و دفتریاران مکلف‌اند نظاماتی را که وزارت عدلیه برای آن‌ها مقرر می‌دارد، متابعت نمایند». به استناد همین ماده قانونی، وزارت عدلیه در سال ۱۳۱۷ نظام‌نامه‌ای را زیر عنوان «آیین‌نامه دفاتر اسناد رسمی» در ۶۴ ماده تنظیم و به تصویب رسانده است. در حال حاضر، علاوه بر آیین‌نامه مرقوم، آیین‌نامه دیگری که در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۴ و مستنداً به ماده ۷۵

۱. سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰۰۵ تهران.

ق.د.ا.ر.ک. مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴ تصویب گردیده، توأمأً در حال اجرا است اما همیشه این تردید و ابهام و به دنبال آن دو سؤال مهم در ذهن برخی از همکاران ثبتی یا دفاتر اسناد رسمی وجود داشته است مبنی بر این که؛

۱- آیا با وضع قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴، قانون دفاتر اسناد رسمی سال ۱۳۱۶ به قوت و اعتبار خود باقی است؟

۲- با تصویب و اجرای آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب دی ماه ۱۳۵۴، آیا آیین نامه، «نظام نامه» دفاتر اسناد رسمی، مصوب ۱۳۱۷ لازم الاجرا است؟ برای پاسخ به سؤالات مذکور و رفع شبهات ایجادشده، ابتدا باید اشاره مختصری به اصول کلی حقوقی و مسلمات قانونی داشته باشیم؛

براساس اصول مسلم حقوقی، نسخ قوانین و مقررات سابق به وسیله قوانین لاحق به دو صورت صریح و ضمنی انجام می گیرد. در نسخ صریح، قانون گذار به صراحت و روشنی مقرر می دارد که با تصویب این قانون یا مقررات کلیه قوانین و مقررات قبلی یا قانون و مقررات مصوب فلان تاریخ (به طور دقیق و مشخص) لغو می گردد. که در این صورت، تکلیف روشن است و به عبارت دیگر، با تصویب قانون و مقررات جدید، قوانین قدیم لغو و بلااثر می گردد. در نسخ ضمنی، قانون گذار به طور صریح اشاره ای به نسخ مقررات سابق نمی نماید اما با تصویب مقررات جدید، قوانین سابق به صورت تلویحی و ضمنی نسخ می گردد. به طوری که مجریان قانون با ملاحظه و تطبیق دو قانون سابق و لاحق، به طور قطع، استنباط می نمایند که منظور قانون گذار از تصویب قانون، وضع مقررات جدید و لغو قوانین سابق بوده است و به عبارت دیگر، معارض بودن دو قانون، اجرای قوانین و مقررات سابق را ناممکن می سازد.

با توجه به نتیجه ای که از بحث بالا حاصل می شود این که در ماده ۷۶ ق.د.ا.ر.ک.

مصوب ۱۳۵۴)، قانون گذار مقرر داشته؛ «آن قسمت از قوانین و مقررات که مغایر با مقررات این قانون باشد، نسخ می‌شود». بنابراین نسخ همه مواد قانون سابق «قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱۶» یا سایر قوانین مرتبط، منظور نظر قانون گذار نبوده است بلکه موضوعات و موادی از قانون مورد نسخ ضمنی قرار گرفته است که مغایر قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران مصوب ۱۳۵۴ هستند.

هرچند که بررسی و مقایسه یکایک مواد دو قانون مذکور از لحاظ تطابق یا تباین، مورد بحث این یادداشت نیست اما برای پاسخ به ابهامات مذکور لازم است به نکته‌ای اساسی که در هر دو قانون سابق و لاحق مورد توجه قانون گذار بوده، اشاره کنیم و آن ماده ۴۷ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ است که نه تنها مورد نسخ قرار نگرفته بلکه در قانون دفاتر مصوب ۱۳۵۴ نیز تکرار شده است.

در ماده ۴۷ مورد بحث مقرر گردیده؛ «سردفتران و دفترباران مکلفاند نظاماتی را که وزارت عدلیه برای آنها مقرر می‌دارد، متابعت نمایند» که این موضوع عیناً در ماده ۲۹ قانون دفاتر مصوب ۱۳۵۴ به شرح زیر تکرار گردیده؛ «سردفتران و دفترباران مکلفاند علاوه بر رعایت تکالیف قانونی از نظاماتی که وزارت دادگستری برای آنها مقرر می‌دارد، متابعت نمایند».

همان گونه که مشخص است در هر دو ماده قانونی فوق‌الذکر به موضوع واحدی اشاره شده است و آن این که سردفتران و دفترباران را به رعایت و متابعت از نظاماتی که وزارت دادگستری برای آنها مقرر داشته، ملزم نموده که در قانون اخیرالتصویب به رعایت تکالیف قانونی نیز تأکید شده است. با اندک توجه به موارد مذکور، ملاحظه می‌شود که هیچ گونه مغایرتی بین دو ماده وجود ندارد و بنا به استدلالی که پیش‌تر بیان گردید ماده ۴۷ قانون دفاتر مصوب ۱۳۱۶ لغو نگردیده و به قوت خود باقی است و در نتیجه تمام آثار و تبعات آن نیز که همان آیین‌نامه دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۷ است، نیز دارای اعتبار و

لازم‌الاجرا خواهد بود و اجرای آن در طی این سالیان متمادی خود مؤید این نظر است^۱ و مسلماً عدم اجرای آیین‌نامه مرقوم که دربرگیرنده بسیاری از مقررات شکلی و ماهوی، درخصوص نحوه تنظیم و ثبت اسناد رسمی است، امور مربوط به دفاتر را با مشکلات جدی مواجه می‌نمود. آیین‌نامه مذکور به‌طور مفصل و مشروح در بخش کلیات و باب اول آن در تنظیم و ثبت اسناد و فصول مربوطه و باب دوم در صدور ورقه اجرائیه اسناد رسمی لازم‌الاجرا و باب سوم راجع به حق‌الثبت و تعرفه حق‌التحریر و در نهایت در موارد مختلفه، مقررات جامعی را بیان می‌نماید.

شاید عده‌ای قائل به این نظر باشند که قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴، خود دارای آیین‌نامه مستقلی است و با تصویب این آیین‌نامه، آیین‌نامه سابق نسخ گردیده است اما این استدلال به‌نظر صحیح نمی‌آید. زیرا:

اول این‌که؛ همه مواد قانون دفاتر مصوب ۱۳۵۴ دارای آیین‌نامه اجرایی نیستند بلکه صرفاً برای موادی آیین‌نامه تهیه شده که در خود قانون، اجرای آن‌ها موکول به تهیه آیین‌نامه شده است و چون آیین‌نامه به‌صورت کلی نیست لذا در آن ذکری از نسخ صریح یا ضمنی مقررات قبلی نشده است. بدیهی است چنانچه در آیین‌نامه اخیرالتصویب مواردی

۱. توضیح ماهنامه «کانون»: صدالبته نظر مخالف بر این اعتقاد است که اتفاقاً برعکس، با وضع ماده ۲۹ق.د.ا.ر.ک. (مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴) که هیچ مغایرتی با مفاد ماده ۴۷ قانون دفاتر مصوب ۱۳۱۶ ندارد مؤید این نظریه است که با تصویب قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴ این برداشت و استنباط حقوقی که قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶، به تمامی، ملغی‌الاجر است، صحیح‌تر و بامنتطق‌تر تقنین سازگارتر است. چرا که منطبق حقوقی نمی‌پذیرد که قانون‌گذار، یک مفهوم را با کمترین تغییر در منطوق، در فاصله زمانی بین دو دوره تصویب قانون، به‌عنوان قانون وضع نماید. مقایسه بین مواد ۴۷ (مصوب ۱۳۱۶) و ۲۹ (مصوب ۱۳۵۴) این مهم را تأیید می‌کند. بنابراین، اساساً با لغو قانون دفاتر اسناد رسمی ۱۳۱۶ از زمان تصویب قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴، می‌توان استدلال نمود که آیین‌نامه و نظام‌نامه دفاتر مصوب ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۷ نیز به تبع لغو قانون منشأ و متبوع، نسخ قانونی و لغو قطعی شده است. و البته موضوع، همچنان قابل بحث و بررسی است که طرفداران این نظریه را به تهیه پاسخ و یادداشت علمی-پژوهشی در این زمینه رهنمون است.

وجود داشته باشد که با آیین‌نامه سابق «مصوب سال ۱۳۱۷» مغایر و در تعارض باشد، مسلماً آیین‌نامه جدید لازم‌الاجرا خواهد بود.

دوم/این‌که؛ همان‌گونه که در بالا نیز استدلال گردید عدم مغایرت دو ماده ۴۷ و ۲۹ قانون دفاتر اسناد رسمی، به ترتیب مصوب سال‌های ۱۳۱۶ و ۱۳۵۴ موجب اعتبار آیین‌نامه سابق شده است و از طرفی عدم اجرای آن، بسیاری از مقررات حاکم بر دفاتر را معطل می‌گذارد. زیرا همان‌گونه که ذکر گردید موارد شکلی و ماهوی بیان‌شده در آیین‌نامه مرقوم، تاکنون بهترین راهنما و دستورالعمل دفاتر اسناد رسمی و تکالیف نظارتی ادارات ثبت بوده است و اجرای همزمان هر دو آیین‌نامه اجرایی که مکمل یکدیگرند، بخش عظیمی از مشکلات تنظیم اسناد رسمی در دفاتر را حل نموده است. هرچند که قانون و مقررات مذکور اکنون با توجه به گستردگی و پیچیدگی روابط و مسایل حقوقی و ثبتی برای پاسخگویی به نیازهای امروز جامعه کافی نیست که ان‌شاء... باید در راستای رشد سریع تکنولوژی و پیشرفت‌های فن‌آوری روز، تغییر و اصلاح گردد تا زمینه بهداشت قضایی مناسب و ایجاد امنیت را جهت رونق اقتصادی جامعه فراهم نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی